



انقلاب اسلامیواحيای هویت ملی و دینی

ابوالحسن یکتاش

یکی از رخداد‌های بی‌نظیر قرن بیستم در صحنه تحولات سیاسی و اجتماعی، وقوع انقلاب اسلامی بود. در این انقلاب، ایرانیان به ندای درونی خویش پاسخ داده و به یک هویت دینی و ایرانی مستقلی دست یافتند که سال‌ها مورد تعرض حکومت غرب‌گرای پهلوی و بیگانگان قرار گرفته بود؛ همان هویت ایرانی‌اسلامی که با انقلاب اسلامی بازسازی و احیا گردید. بدون تردید این هویت عامل وحدت در جامعه بوده و پیوستگی در روابط جامعه را به ارمغان آورده است؛ برخلاف رژیم شاه که باوجود داعیه ایران باستان، درواقع هویت‌سازی غربی را دنبال کرد، انقلاب اسلامی توانست این هویت ایرانی‌اسلامی را دوباره به جامعه بازگرداند و نه‌تنها تضادهای طبقاتی و بیگانگی هویتی و فرهنگی را بکاهد، بلکه تضادهای بین دولت و جامعه را هم التیام بخشد و این در حالی است که برخی مدعی هستند، انقلاب اسلامی دوگانگی الهیاتی مؤمن – کافر و دوگانگی سیاسی دوست – دشمن ایجاد کرده، ارزش‌های جافانده آن را به هم زده، بی‌آنکه بتواند بدیل پایداری برای آنها عرضه کند؛ لذا جامعه راآشفته کرده و باعث شکاف، خشونت، نفرت و حسادت در جامعه گردیده است و نیزتنش در منطقه و جهان راافزایش داده است؛ لکن ما معتقدیم آنچه که موجب همبستگی و وحدت جامعه ایرانی ما می‌شود، هویت ایرانی‌اسلامی است که پس از پیروزی انقلاب موجب گردیده است تا با محوریت آن، جامعه از هرگونه دوگانگی و شکاف دور باشد. برای پرداختن به این موضوع، لازم است یک مفهوم‌شناسی از هویت و هویت ملی داشته باشیم و سپس به هویت برآمده از انقلاب اسلامی و نیز وحدت‌بخش بودن آن بپردازیم.

«هویت» یکی از موضوعات اجتماعی است که وجود آن برای اجتماع و پیشرفت آن جامعه، ضرورت دارد. در حقیقت، شناخت از خود و جهان اطراف خود، لازمه پیشرفت و تعالی آن جامعه به‌حساب می‌آید و درمقابل، از خودبیگانگی و بابحران هویت، از رسیدن جامعه به اهداف آرمانی خود و حرکت به‌سوی پیشرفت و تعالی جلوگیری می‌کند. در تعریف هویت، گفته شده است: هویت ملی؛ یعنی روح مشترک و نامتغیر بین نسل‌های مختلف تاریخ یک ملت؛ چیزی که به دلیل نژادی، تربیتی، اقلیمی و... دست‌به‌دست می‌شود و دو سرتاریخ یک ملت را به هم وصل می‌کند. این خصلت‌ها و خوی‌ها، با آنکه در ادوار تاریخی گوناگون شدت و ضعف می‌یابند؛ ولی همواره وجود دارند و از بین نمی‌روند. در تعریفی از هویت، آن را پاسخگویی آگاهانه هر فرد و قوم یا ملت به پرسش‌هایی می‌دانند که از خود دارد که بوده؟ چه بوده؟ کجا بوده؟ و چه هست؟ این هویت، مجموعه ویژه‌ای از عوامل عینی و ذهنی و فرهنگی است که در اعضای یک ملت تجلی می‌یابد و آن را از سایر ملت‌ها متمایز می‌کند و به عبارتی هویت چارچوبی پویاست که بیشتر شکلی از آگاهی به خود، به جامعه، به فرهنگ، به تاریخ و به آینده را القا می‌کند؛ البته شهید مطهری رحمته‌الله معیار ارزش‌ها، گرایش‌ها و دانش‌هایی را که ملت‌ها می‌پذیرند و پس از چندی در تحول تاریخی و سیر تکاملی و رشد این ملت‌ها تبدیل به مفهوم هویت ملی می‌شود، مشروط به پذیرش آن عناصر، از روی رغبت، آزادی و اختیار می‌داند؛ که این نگاه درباره هویت ملی و نیز توجه به دخالت عنصر آزادی و

می‌گنجد، همین خوی‌ها و خصلت‌هاست.

بعد از آشنایی با این دو مفهوم، باید اشاره نماییم که بدون تردید، تفاوت این انقلاب با انقلاب‌های بزرگ دنیا، تفاوت در ماهیت آن می‌باشد. تفاوت این انقلاب با انقلاب‌های دیگر در حقیقت به فرهنگی و هویتی بودن آن برمی‌گردد. انقلاب اسلامی باتوجه‌به ماهیتی که دارد، یک انقلاب هویتی بوده و در پاسخ به بحران هویت رخ داده است. این انقلاب حرکتی مبتنی بر بازگشت به خویشتن و تأکید بر هویت فراموش‌شده‌اش می‌باشد و به عبارتی می‌توان گفت، در این انقلاب مردم به دنبال هویت‌خواهی و بازگشت به ارزش‌های ایرانی – اسلامی بودند.

البته این انقلاب عظیم مردمی و الهی که برای پیشبرد اهداف و رسالت‌های خود بر ایمان و اعتقاد راسخ و قلبی توده‌های مؤمن و متدین تکیه دارد، با ارائه الگویی عینی و عملی از یک نظام سیاسی و اجتماعی مبتنی بر ارزش‌های الهی و انسانی، از یک سو بسیاری از مدعیان دروغین اندیشه و فرهنگ را به چالش فراخواند و ازسوی دیگر، چون بارقه‌ای امیدبخش در ظلمت‌کده بی‌هویتی و لاقیدی، شیفتگان فضیلت و پارسایی را نوید آزادی و رهایی داد؛ بنابراین انقلاب اسلامی راهی برای دست‌یابی و بازیابی هویت خودی بود. امام خمینی رحمته‌الله می‌فرمودند: «اماها الان خودمان را گم کرده‌ایم، مغاخر خودمان را الان گم کرده‌ایم. تا این گم شده پیدا نشود، شما مستقل نمی‌شوید. بگردید پیدایش کنید.»^۱ امام خمینی رحمته‌الله سمت‌وسوی حرکت و تمام تلاش خویش را مبتنی بر احیای این هویت و بازگشت به آن قرار داد؛ چراکه این انقلاب را ناشی از تحول درونی و برگرفته از هویت خودی و پاسخی به چالش‌های هویتی می‌دانستند؛ ازاین‌رو ایشان می‌فرمودند: «انقلابی که در ایران واقع شد، یک انقلابی در باطن مردم حاصل شد... این انقلاب درونی است که پیدا شد در این کشور و در این مملکت...». بنابراین انقلاب اسلامی تنها منحصر به مسلمانان ایرانی نیست؛ بلکه آرمان‌های آنها مورد دل‌خواه و مطلوب میلیون‌ها انسان ستمدیده‌ای می‌باشد که در کشورهای خارج، خواه اسلامی و خواه غیراسلامی زندگی می‌کنند. همین‌طور مبارزات انقلاب منحصر به داخل کشورها نیست؛ بلکه اعتقاد بر این است که روند مبارزات باید در سطح بین‌المللی انجام پذیرد. انقلاب اسلامی با احیای فرهنگ، تفکر و هویت دینی، شخصیت مردم به‌ویژه نسل جدید، حضور فعال آنان را در صحنه‌های مختلف اجتماعی تثبیت و تضمین نمود. شهید مرتضی مطهری رحمته‌الله با طرح این سؤال که امام خمینی رحمته‌الله چه کرد؟ می‌فرماید: «او به مردم ما شخصیت داد، خود واقعی... آنها را به آنان بازگرداند، آنها را از حالت خودباختگی... خارج کرد.»^۲ لذا شهید مطهری دراین‌رابطه می‌فرماید: خودباختگی یعنی لرزلز شخصیت، بی‌ایمانی به خود، گم‌کردن خود، از دست‌دادن حس احترام به ذات، بی‌اعتمادی، بی‌اعتقادی به فرهنگ خود و استعداد و شایستگی خود و درمقابل به خودآمدگی یعنی، بازگشت به ایمان خود، بیدار کردن حس احترام به خود و تاریخ و شناسنامه و نسبت تاریخی خودمی‌باشد.^۳

این هویت دارای ارزش‌های الهی و انسانی است که در عین حالی که انسجام‌دهنده درون یک ملت می‌باشد، الگویی جامع و وحدت‌آفرین برای تمام انسان‌های آزادی‌خواه جهان می‌تواند به‌شمار آید.

زیرا با انقلاب اسلامی، مردم ما از یوغ استبداد و حامیان استعمارگر آن بیرون آمدند و عزت و کرامت

را دوباره بازیافتند؛ مردمی که سالیانی تحقیر شده بودند. انقلاب اسلامی عرتی را که خاص جامعه ایمانی است، به آنان بازگرداند: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ»؛^۴ این عزت و کرامت، یکی از ارزش‌های انسانی است. یکی دیگر از ارزش‌های این هویت، همان خُريت و آزادی خواهی است، «بدون شک در انقلاب اسلامی ایران ما، عنصر آزادی‌خواهی نقش بسیار زیادی دارد.»^۵ چنانکه مقام معظم رهبری درباره پایه بودن و نقش اساسی آن در انقلاب اسلامی می‌فرمایند: «این انقلاب بر پایه اصول مستحکمی بنا شد؛ هم اجرای عدالت را موردنظر قرار داد، هم آزادی و استقلال را – که برای ملت‌ها از مهم‌ترین ارزش‌هاست – موردتوجه قرار داد، هم معنویت و اخلاق را؛ این انقلاب ترکیبی از عدالت‌خواهی و آزادی‌خواهی و مردم‌سالاری و معنویت و اخلاق است...»^۶

در حقیقت پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی رحمته‌الله و برپایی نظام جمهوری اسلامی که نوید احیای هویت جمعی ما ایرانیان را به‌همراه داشت، همان هویتی که همگان را از هر نژاد و قوم و زبان برای اعتلای پرچم ایران اسلامی به صحنه آورد و در مبارزه برای استقلال آن از بیگانگان، در یک صف قرار داد، بدون تردید ارزش‌هایی که مردم را در یک صف در راه مبارزه قرار داد، همان ارزش‌های هویتی که همگرایی و انسجام درونی را در پی دارد. این بازیابی هویتی در انقلاب اسلامی، انسان‌ها را به ارزش‌های اخلاقی و قوانین الهی پایبند ساخت و انقلاب و مردم انقلابی را به ستم‌زدایی و عدالت‌خواهی سوق داد؛ البته در این میان، باید اشاره نماییم که انقلاب اسلامی، حاصل شرایطی بود که بنیان‌های معرفتی و هویتی جامعه مورد هجومه تفکرات وارداتی غرب قرار گرفته بود و انقلاب اسلامی، به‌عنوان واکنشی در برابر این هجومه‌ها شکل گرفت.

نکته دیگری که باید به آن توجه کرد، این است که در هویت‌های جمعی یک وجه سلبی هم نهفته است. وجود این وجه سلبی برای دفاع از هویت ضروری است؛ این وجه سلبی همان تمایز و غیریتی است که برای دفاع از فرهنگ و ارزش‌های اصیل نمی‌توان ضرورت وجود آن را نادیده انگاشت؛ این وجه سلبی امروزه در مقابل نظام سلطه‌ای است که همواره به دنبال تحمیل فرهنگ و ارزش‌های خود بر دیگر جوامع و ملت‌ها بوده است؛ چنانکه امام خمینی رحمته‌الله می‌فرمایند: «خواهران و برادران عزیز، در هر کشوری که هستیم، از حیثیت اسلامی و ملی خود دفاع کنید و بی‌پروا در مقابل دشمنان خود، یعنی آمریکا و صهیونیسم بین‌المللی و ابرقدرت‌های شرق و غرب، و... به خود آییند و شخصیت اسلامی خود را بیابید، زیر بار ظلم نروید و هوشیارانه نقشه‌های شوم جهان‌خواران بین‌المللی را که در رأس آن آمریکاست، افشا کنید.»^۷ در همین راستا حضرت امام تعدد اقوام، گروه‌ها و ملت‌ها را به شکل یک کل واحد می‌بینند و هیچ تفاوتی میان آنها قابل نیستند و این اقوام، نژادها، طوایف، ملت‌ها و گروه‌های اجتماعی در عین اینکه در تعدد و کثرت‌اند، یک ملت واحد را تشکیل می‌دهند و آن ملت اسلام است.^۸

بر همین اساس نظام برآمده از انقلاب اسلامی که همه ملت‌ها و همه آزادی‌خواهان جهان را بر علیه نظام سلطه فرامی‌خواند و قطعاً حقوق و ارزش‌های اقوام و نژادهای مختلف و نیز اقلیت‌هایی را که در ایران اسلامی زندگی می‌کنند، به رسمیت شناخته و دفاع از آن را دفاع از ایران اسلامی می‌داند و اساساً حفظ حقوق و ارزش‌های محلی آنان، جزئی از هویت

ایرانی‌اسلامی است و وحدت و یکپارچگی مردم ایران به همین نکته اساسی برمی‌گردد؛ گرچه برخی جریان‌هایی که از بیرون از مرزها و از سوی بیگانگان تغذیه می‌شوند، به دنبال فعال‌کردن شکاف‌هایی در بین اقوام هستند و در این راه، هزینه‌های فراوان می‌کنند؛ ولی نظام برآمده از انقلاب اسلامی، همواره بر یکپارچگی و همبستگی ایرانیان تأکید داشته و جلوی تقویت شکاف بین اقوام را می‌گیرد.

به‌رحال انقلاب اسلامی یک هویت جمعی را به‌عنوان یگانه عامل وحدت‌بخش میان قومیتی‌های مختلف اعم از فارس، ترک، کرد، عرب و بلوچ... احیا کرد که در آن انسان به ما هو انسان دارای ارزش است و بر همین مبنا بر احقاق حقوق و ارزش‌های انسانی که مطلوب تمام ملت‌ها اعم از اسلامی و غیراسلامی است تأکید می‌شود.^۹ «همین مطالبه و احقاق حقوق و ارزش‌های انسانی، می‌تواند الگوی همگرایی و نیز وحدت‌بخش بین ملت‌های ستمدیده در برابر نظام سلطه باشد؛ البته برخورداری از این وجه سلبی و دوبعدی بودن این هویت، دلیل بر دوگانگی و یا تضاد درونی آن و یا ترویج شکاف و نفرت بین ملت‌ها نیست؛ بلکه می‌تواند مرزی باشد برای حفظ و دفاع از ارزش‌های الهی و انسانی در برابر نظام سلطه؛ همان نظام سلطه‌ای که با نفوذ و سیطره استعماری خود، همواره به چپاول حقوق ملت‌ها پرداخته و هیچ ارزشی برای حقوق انسان‌ها قائل نیست.

• نتیجه‌گیری

در مجموع در انقلاب اسلامی ایران، ما شاهد احیای هویت و بازگشت به خویشنتی هستیم که در درون خود، از ارزش‌های الهی و انسانی برخوردار است و به همین دلیل هم انسجام‌دهنده در درون و هم الگوی وحدت‌آفرین برای ملت‌ها می‌باشد. در این انقلاب اگرچه گروه‌ها و طبقات اجتماعی مختلفی در عرصه مبارزه حضور دارند، اما همه شواهد حاکی از آن می‌باشد که آنچه در نهایت به‌عنوان نیروی اصلی و بسیج‌کننده مردم حول محوری واحد عمل کرده است، درواقع همان ارزش‌هایی است که آن را می‌توان در حول محور آن جمع نمود؛ بنابراین تنها نیروی پیش‌برنده‌ای که توان متحد ساختن واقعی جامعه را در مسیر خواست‌ها و اهداف متعالی‌شان دارد، همان ارزش الهی و انسانی می‌باشد که در قالب یک هویت جمعی ظهور و بروز می‌یابد؛ البته برخی تلاش کرده‌اند تا ارزش نقش‌آفرینی آن را تنزل دهند و تلاش می‌کنند تا آن را بی‌ارزش قلمداد نمایند؛ درحالی‌که در الگوی انقلاب اسلامی، ازآنجاکه انسان به ما هو انسان، دارای ارزش است، بر احقاق حقوق و ارزش‌های انسانی که مطلوب تمام ملت‌ها اعم از اسلامی و غیراسلامی است، تأکید می‌شود.

• پی‌نوشت‌ها

۱. رک. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، قم: صدرا، ۱۳۸۳، ج ۱۴، ص ۶۷.
۲. امام خمینی رحمته‌الله صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۷۸، ج ۱۵، ص ۲۴۳.
۳. امام خمینی، صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۷۸، ج ۹، ص ۵۹.
۴. مرتضی مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، صدرا، ۱۳۷۵، ص ۹۴.
۵. مرتضی مطهری، همان، ص ۹۳.
۶. سوره منافقون، آیه ۸.
۷. مرتضی مطهری، آینده انقلاب اسلامی ایران، صدرا، ۱۳۶۲، ص ۱۲۴.
۸. مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۳/۱۴.
۹. امام خمینی، صحیفه نور، ج ۹، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱، ص ۲۲۶.
۱۰. یحیی فوری، امام خمینی و هویت ملی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴، ص ۱۸۸.
۱۱. محسن مجرد، تأثیرات انقلاب اسلامی بر سیاست بین‌الملل، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۶، ص ۱۱۴.